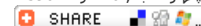


گفتگوی موسسه صلح امریکا با حسین موسویان: ایران آماده مذاکره است ، به شرط آنکه ...

چهارشنبه، 26 مرداد 1390 ساعت 06:01



اندیشگده «روسی» انگلیس: انتخابات ایران و جهان عرب

اخبار مهم

منابع دیگر

چگونه به بن بست رابطه با ایران پایان دهیم؟
 سرنوشت تحریم های جدید با روی کار آمدن روحانی
 پیام مردم ایران به روایت خاویر سولانا
 چشمداشت های آمریکا از کنفرانس «ژنو ۲»
 دلیل محبوبیت ایران در حوزه آسیا - پاسیفیک
 تحلیل رویکرد آمریکا در قبال فعالیت های هسته ای ایران
 المانیتور: آیا هاشمی اقتصاد ایران را نجات می دهد؟
 المانیتور بررسی کرد: سعید جلیلی از نگاه غرب
 انتقاد «جان بولتون» از سیاست خارجی دولت آمریکا
 بدگویی واشنگتن از ایران و سکوت مقابل تسلیحات دوستان
 ریچارد هاس: با تحریم ایران مخالفم
 انتقاد از سیاست ها و تصمیم گیری های دولت های آمریکا
 بحران یورو و چشم انداز اقتصادی اتحادیه اروپا
 تهران روی بغداد حساب کرده است
 مقابله ایران با دیپلماسی عربستان در لبنان
 چرا شیوخ عرب خلیج فارس سقوط خواهند کرد
 آمریکا و ایران به صورت مستقیم به مسئله هسته ای بپردازند

جستجو جستجو...

سید حسین موسویان عضو سابق گروه مذاکره کننده ایران با پنج قدرت دارای حق و تو در سازمان ملل به اضافه آلمان در مصاحبه با موسسه صلح امریکا گفت: افق مذاکرات ایران و گروه 1+5 زمانی روشن خواهد شد که طرف مقابل بسته قابل قبولی به ایران پیشنهاد بدهد.



به گزارش **اشراف** ، آقای موسویان مشاور سابق سیاست خارجی تیم مذاکره کننده هسته ای به ریاست علی لاریجانی در سالهای (2005-07)، سخنگوی سابق تیم مذاکره کننده هسته ای ایران (2003-05) ، رئیس سابق کمیسیون روابط خارجی شورای امنیت ملی ایران (2005-1997) و سفیر سابق ایران در آلمان (1990-97) بود. او اکنون پژوهشگر مدعو در دانشگاه پرینستون است. این مصاحبه در حاشیه اولین سخنرانی عمومی موسویان پس از دستگیری وی در آوریل 2007 در ایران انجام شده است. سیدحسین موسویان در محل موسسه "چوتوکوا" (Chautauqua) برای 5000 نفر سخنرانی کرد.

آنچه در زیر می خوانید مشروح گفتگوی آقای موسویان با گزارشگر موسسه صلح امریکاست:

پیشرفت تلاشهای دیپلماتیک سال جاری را چگونه پیش بینی می کنید ؟ برای از سرگیری روابط ایران و آمریکا چه گزینه های واقعی مطرح هستند؟

تصمیم گیرنده نهایی در ایران شخص آیت الله علی خامنه ای است و در صورتیکه بسته تشویقی مناسبی به ایران پیشنهاد گردد، ایشان نیز آماده مذاکره خواهد بود. آیت الله خامنه ای با شفاف سازی مخالفتی ندارد زیرا در سال 1995 علیه تسلیحات کشتار جمعی فتوا صادر کرد. اما شخصاً با تعیض، تعلیق (غنی سازی اورانیوم) و محروم کردن ایران از حقوق مسلم خود در چارچوب معاهده عدم گسترش تسلیحات هسته ای (NPT) مخالف است.

از آنجائیکه حق غنی سازی ایران هیچگاه به درستی مطرح نشده است، پس من نیز با این عقیده مخالفم که رهبر ایران تمایلی به مذاکره ندارد. نهایتاً اینکه؛ برای مذاکرات در صورتی می توان افق روشنی را متصور دانست که گروه 5+1 (پنج عضو دائمی شورای امنیت به علاوه آلمان) بسته قابل قبولی را به ایران پیشنهاد دهد.

حتی در جریان مذاکرات سالهای 2005 تا 2003، اقدامات اعتمادسازی ایران- از جمله تعلیق غنی سازی، اجرای مفاد پروتکل الحاقی و بازرسی های خارج از معاهده NPT - جملگی باید از طرف رهبری تایید می شدند. بدون موافقت رهبری این سیاست ها قابل اجرا نبودند. این همان رهبر است.

رهبر ایران تا اوایل سال 2005 اعتماد خود را نسبت به توانایی کشورهای اروپایی-مذاکره کنندگان اصلی با ایران- برای تحقق وعده های مطرح شده از دست داد. این مسئله به قبل از دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد برمی گردد.

پس از گذشت 8 سال، هنوز در میان اعضای گروه 5+1 درباره حقوق ایران اختلاف نظر وجود دارد. در سال 2005 روسیه، چین، آلمان و حتی فرانسه آماده بودند تا حق غنی سازی ایران را به رسمیت بشناسند اما انگلیس و آمریکا اعتقادی به این مسئله نداشتند. موضع واشنگتن در آن زمان مبتنی بر این اصل بود که ایران نباید هیچ سانتریفوزی در اختیار داشته باشد.

پس از پیروزی بارک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری، تغییر محسوس در رویکرد کاخ سفید به چشم خورد. تا جائیکه می دانم، ایالات متحده آمریکا به نقطه ای رسیده که حاضر است حق غنی سازی ایران را طبق شرایط خاصی به رسمیت

بشناسد- از قبیل بازرسی بدون اطلاع قبلی، اعمال محدودیت موقت بر تعداد سانتیفرها و غیره.

تعجب می‌کنم که چرا کشورهای اروپایی- به رهبری فرانسه - همچنان مقاومت می‌کنند. پاریس ایالات متحده آمریکا را تحت فشار قرار می‌دهد تا در پایان مذاکرات در خصوص مسئله غنی‌سازی بحث و تبادل نظر کند نه در ابتدای آن. بنابراین، هرچند واشنگتن به این درک رسیده است که هیچ توافقی حاصل نخواهد شد مگر آنکه ابتدا حقوق ایران به رسمیت شناخته شود، اما فرانسه موضع متفاوتی دارد.

به این دلیل است که سیاست گروه 5+1 در قبال ایران شکست خورده است و تا زمانیکه حاضر نباشند حقوق ایران را در غنی‌سازی هسته‌ای صلح‌آمیز بپذیرند، پیروزی در این میدان غیرممکن خواهد بود. دوره تعلیق غنی‌سازی پایان یافته است.

نمی‌توان پذیرفت کشورهای 5+1 که 98 درصد ذخایر تسلیحات هسته‌ای جهان را تحت کنترل دارند، سایر کشورها را از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و چرخه سوخت هسته‌ای محروم سازند.

برای رسیدن به موفقیت در روند مذاکرات چه شرایطی باید مهیا گردد؟ ایران چه اقداماتی را باید انجام دهد؟ ایالات متحده آمریکا چه اقداماتی را باید در دستورکار قرار دهد؟

گروه 5+1 خواستار رویکرد مرحله به مرحله در قبال مذاکرات است اما ایران می‌خواهد نتیجه نهایی را بداند. رویکرد مرحله به مرحله موثر نخواهد بود. در آغاز مذاکرات باید بسته جامعی که حق غنی‌سازی ایران را نیز به رسمیت بشناسد، بر روی میز گذاشته شود. به عبارت دیگر، طرفین باید نتیجه نهایی را ببینند. در غیراینصورت، مردم ایران وارد جاده‌ای نخواهند شد که انتهای آن قابل رویت نیست.

پس از توافق در مورد بسته جامع پیشنهادی، طرفین مذاکره می‌توانند درباره نحوه اجرای مفاد آن به صورت مرحله‌ای و با توافق یکدیگر طبق یک برنامه زمان‌بندی شده پای میز مذاکره بنشینند. بدون وجود این جدول زمانی و با توجه به نگرانی‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در خصوص اهداف گروه 5+1 برای بازی با زمان و طولانی کردن پروسه مذاکرات دارد، تهران دوباره برای نشستن پای میز مذاکره تامل خواهد کرد.

شرط نهایی ایران در بحث هسته‌ای به رسمیت شناختن حقوق کامل ایران طبق معاهده ان‌پی‌تی و عدم تبعیض برای پروسه غنی‌سازی است. کشورهای دیگری نیز وجود دارند که اورانیوم غنی‌سازی می‌کنند اما تحریم نمی‌شوند. مادامیکه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد به اجرا در می‌آیند، معضل هسته‌ای حل نخواهد شد زیرا آنها ایران را ملزم می‌سازند تا برای مدت نامحدودی غنی‌سازی را تعلیق نموده و سایت‌ها و دانشمندان هسته‌ای خود را برای مدت نامعلومی تحت نظارت بازرسان آژانس قرار دهند. این شروط خارج از چارچوب معاهده ان‌پی‌تی است.

کشورهای طرف مذاکره با تهران خواستار اقداماتی خارج از مفاد معاهده ان‌پی‌تی و پروتکل الحاقی شده‌اند بدون اینکه مشخص نمایند این اقدامات چه هستند و اینکه حتی محدودیتی نیز برای آنها در نظر نگرفته‌اند. به همین دلیل فکر می‌کنم ایران هرگز این قطعنامه‌ها را نمی‌پذیرد.



چه مواردی ایران را متقاعد می‌سازد تا با شش قدرت بزرگ جهان همکاری نماید؟

نکته محوری مذاکرات گروه 5+1 در گرو تأیید ماهیت صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و عدم گرایش تهران به سوی برنامه تسلیحات هسته‌ای در آینده است. اگر گروه 5+1 به دنبال کسب نتایج فوق است، پس مذاکره در خصوص تعلیق غنی‌سازی- بویژه تعلیق نامحدود- هم بی‌معنی و هم بی‌فایده است. تعلیق هیچ ارتباطی با شفاف‌سازی ندارد. ایران تعلیق نامحدود را ترفند گروه 5+1 می‌داند تا برای ممنوعیت طولانی‌مدت برنامه غنی‌سازی ایران و نهایتاً توقف آن به نفع خود زمان بخرد.

در عوض، گروه 5+1 می‌تواند خواستار تضمین‌های واقعی از جمهوری اسلامی ایران گردد. اولین بار این دولتهای اروپایی بودند که اصطلاح

"تضمین‌های واقعی" را در سال 2003-04 و در جریان توافقات پاریس مطرح کردند. ما (تیم مذاکره کننده ایران که موسویان یکی از اعضای آن بود) از آنها خواستیم تا منظور خود را تشریح نمایند از جمله اینکه آنها انتظار دارند ایران برای شفاف سازی کامل چه اقداماتی را انجام دهد. آنها هرگز نتوانستند منظور خود را به طور کامل شرح دهند.

گروه 5+1 هرگز نمی‌تواند از ایران بخواهد تا به آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) اجازه دسترسی کامل به سایت‌ها و دانشمندان هسته‌ای را بدهد زیرا این مسئله خارج از چارچوب معاهده ان‌پی‌تی و پروتکل الحاقی برای یک دوره نامحدود است. این تبعیضی کاملاً آشکار است و مجلس شورای اسلامی ایران هرگز آن را نخواهد پذیرفت. اما اگر گروه 5+1 خواستار اقدامات اعتمادسازی خارج از چارچوب ان پی تی برای یک دوره کوتاه باشد، در آنصورت احتمال دارد این امر محقق گردد زیرا تهران قبلاً در زمان ریاست دکتر روحانی و دکتر علی لاریجانی در تیم مذاکره کننده حسن‌نیت خود را نشان داده است.

ایران برای اعتماد سازی چه اقداماتی را می‌تواند اتخاذ نماید؟

برای خروج آبرومندانه طرفین مذاکره از بن‌بست هسته‌ای، به یک "بسته پیشنهادی" منصفانه و متعادل نیاز است. برای برآوردن حداقل پیش‌نیازهای ایران، گروه 5+1 باید طبق معاهده ان‌پی‌تی به حقوق ایران احترام بگذارد از قبیل حق غنی‌سازی

اورانیوم، لغو تحریم‌ها ، برگرداندن پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت سازمان ملل و عادی سازی همکاری هسته‌ای با ایران طبق معاهده ان‌پی‌تی.

در عوض، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تضمین‌های واقعی، شفاف سازی بیشتر و اقدامات اعتمادسازی را به طرق زیر ثابت نماید:

تعهد می‌دهد که در دوران اعتمادسازی اورانیوم را تا 5 درصد غنی‌سازی نماید-به شرط آنکه جامعه بین‌المللی سوخت موردنیاز راکتور تحقیقاتی تهران را به ایران بفروشد که از سوخت با غنای 20 درصد استفاده می‌کند (علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران در فوریه 2010 این پیشنهاد را مطرح کرد)

به کلیه معاهدات هسته‌ای بین‌المللی طبق تعریف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حداکثر شفافیت و همکاری پایبند بماند.

در راستای همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای فعالیتهای غنی‌سازی در داخل ایران گامهای مثبتی بردارد.

فعالیت‌های غنی‌سازی را تا حد نیاز واقعی خود محدود گرداند.

کلیه اورانیوم غنی شده غیرقابل استفاده برای تولید سوخت داخلی را به خارج از کشور صادر نماید و در دوران اعتمادسازی از فرآوری سوخت مصرف شده در راکتورهای تحقیقاتی خودداری ورزد.

کلیه مسائل فنی باقیمانده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در چارچوب "توافقات مشروط" یا "برنامه کاری" منعقد بین البرادعی و لاریجانی در سال 2007 حل‌وفصل نماید.

فکر می‌کنم برای رسیدن به يك راه‌حل واقعی و آبرومند در بحث هسته‌ای توافقات جامع و موازی در روابط دوجانبه ایران و آمریکا ضروری است. تهران و واشنگتن در مورد این بسته پیشنهادی باید به طور مستقیم وارد مذاکره شوند، حال آنکه مسئله هسته‌ای ایران می‌تواند در چارچوب مذاکرات گروه 5+1 نیز حل‌وفصل گردد.

سیاست‌های داخلی چه نقشی در موضع هسته‌ای تهران ایفا می‌کنند؟

نقش بسیار مهمی دارند. واقعیت اینست که اکثریت قاطع مردم ایران طرفدار فناوری هسته‌ای هستند.

قبل از سال 1979، حقوق کامل برنامه هسته‌ای برای شاه به منزله خط قرمز بود زیرا که وی براساس معاهده ان‌پی‌تی خواستار حقوق کامل هسته‌ای- از جمله فرآوری و غنی‌سازی- برای ایران بود. پس از پیروزی انقلاب، برنامه هسته‌ای برای جمهوری اسلامی نیز همچنان به منزله خط قرمز به شمار می‌رفت. این مسئله در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد کاملاً مشهود بود. بنابراین اهمیتی ندارد که چه دولتی اعم از میانه‌روها، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان قدرت را در دست داشته باشند یا اینکه نظام ایران سلطنتی باشد یا جمهوری اسلامی. تاریخ 50 ساله برنامه هسته‌ای ایران ثابت کرده است که این مسئله بدون توجه به نظام حاکم در ایران همواره خط قرمز بوده است.

تشدید تحریم‌ها علیه ایران- اقتصادی و حقوق بشر- بر مذاکرات آتی چه تاثیری خواهد داشت؟

تحریم‌ها موضع هسته‌ای ایران را تغییر نداده و نخواهند داد. این يك واقعیت است که طرفین مذاکره ایران باید با این مسئله خود را وفق دهند.

پس از گذشته سه دهه، تحریم‌های يك و چند جانبه علیه برنامه هسته‌ای ایران هرگز به نتایج موردنظر منتهی نگردید. برای مثال، آنها در تغییر سیاست هسته‌ای ایران ناکام مانده‌اند، ملت ایران هنوز برنامه هسته‌ای را به منزله حق ملی خود می‌داند و ایران توانسته است تا به قابلیت موشک دوربرد، چرخه سوخت هسته‌ای و فناوری پیشرفته شیمیایی و بیولوژیکی دست یابد.

اما واقعیت دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه لغو تحریم‌ها نیز بسیار دشوار است، بویژه تحریم‌های يك‌جانبه‌ای که کنگره آمریکا علیه ایران تصویب نموده است. قانون فعلی آمریکا این حق را به رئیس‌جمهور تقویض نمی‌کند که در پاسخ به حسن‌نیت ایران از تحریم‌ها چشم‌پوشی نموده یا آنها را لغو نماید.

موضع دولتمردان ایران با درک این تحولات انعطاف‌ناپذیرتر شده است زیرا که نتیجه پایان بازی را از همان ابتدای مذاکرات می‌دانند. به بیان دیگر، تحریم‌های اخیر شك و تردید ایران را نسبت به اهداف واشنگتن بیشتر کرده است. جمهوری اسلامی ایران تحریم‌های يك‌جانبه را به مثابه اهرم‌های فشار نمی‌داند بلکه در واقع آنها را سازوکاری می‌بیند که با هدف غیرممکن ساختن توافقات کامل تعریف شده‌اند و اینکه سناریو تغییر رژیم همیشه بر روی میز باقی است.

روسیه طرح "مرحله به مرحله" برای مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه 5+1 را پیشنهاد داده است، در واقعیت چه افقی را برای این طرح پیش‌بینی می‌کنید؟

این طرح گامی رو به جلو است اما پیشنهاد جدیدی نیست. روسیه ابتدا در اکتبر 2010 طرح مشابهی را به ایالات متحده آمریکا ارائه نمود. درحال حاضر، پس از شکست مذاکرات ژنو و استانبول، مسکو بر این باور است که این طرح می‌تواند يك دستاورد مهم باشد.

از جزئیات این طرح اطلاعی ندارم اما اگر این طرح مرحله به مرحله است، فقط در صورتی می‌تواند موفقیت آمیز باشد که دور جدیدی از تعلیق غنی‌سازی را مطرح نکند و پایان بازی را به گونه‌ای ترسیم نماید که موارد ذیل را در بر داشته باشد:

به رسمیت شناختن حقوق کامل ایران برای غنی‌سازی

لغو تحریمها

مختومه کردن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

تعامل هم منطقی است و هم واقعی. اما در صورت فقدان چارچوب قابل مذاکره، طرفین نمی‌توانند سازش و مصالحه کنند. اگر تمرکز بر اصل شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و تضمین صلح‌آمیز بودن آن باشد، پس می‌توان برای مذاکرات چارچوب مناسبی تعریف کرد. اما اگر هدف تحت فشار گذاشتن ایران برای انجام عملی باشد که از سایر کشورها توقع آن را ندارند، پس مطمئناً هیچ توافقی در مورد چارچوب مذاکرات حاصل نخواهد شد. حتی اگر در این رابطه جلساتی نیز ترتیب داده شود، این نشست‌ها هیچگاه به سرمنزل مقصود نخواهند رسید.

[بعدی <](#)

[> قبلی](#)

همه حقوق مادی و معنوی این پایگاه متعلق به مجتمع رسانه ای اطلس می باشد
پشتیبانی توسط هاست نگار

